

فهرست مطالب

۳۴	درس چهارم
۳۶	درس پنجم
۳۷	درس ششم
۳۹	درس هفتم

• دوازدهم

۴۱	درس اول
۴۳	درس دوم
۴۵	درس سوم
۴۶	درس چهارم

قواعد

• دهم

۵۰	درس اول
۶۴	درس دوم
۶۹	درس های سوم و چهارم
۷۸	درس پنجم
۸۸	درس ششم

مشاوره

۱۰	بررسی ساختار سؤالات ...
----	-------------------------

واژگان

• دهم

۱۳	درس اول
۱۴	درس دوم
۱۶	درس سوم
۱۸	درس چهارم
۲۰	درس پنجم
۲۳	درس ششم
۲۵	درس هفتم
۲۷	درس هشتم

• یازدهم

۲۹	درس اول
۳۱	درس دوم
۳۳	درس سوم

درک مطلب

- ۱۵۹ آزمون سراسری تجربی
۱۶۴ آزمون سراسری ریاضی

۹۲ درس هفتم

۹۶ درس هشتم

• یازدهم

۱۰۱ درس اول

۱۰۶ درس دوم

۱۱۱ درس سوم

۱۱۴ درس چهارم

۱۱۷ درس پنجم

۱۱۹ درس ششم

۱۲۴ درس هفتم

• دوازدهم

۱۲۹ درس اول

۱۳۴ درس دوم

۱۳۸ درس سوم

۱۴۱ درس چهارم

فنون ترجمه و تعریب

۱۴۶ جمع‌بندی نکات ترجمه فعل

۱۴۸ روش پاسخ به سؤالات ...

واژگان

دهم

درس اول

• نَمَا: رشد کرد (ماضی و مذكر)	• أُوْجِدُ: پدید آورد (مضارع: يُوجِدُ)
• يَنْمُو: رشد می کند (مضارع)	• بَالِغ: کامل (اسم فاعل)
• أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم	• جَدْوَةٌ: پاره آتش
(مضارع التزامی)	• ذَا: این (هذا)
• دَاو: چرخید (مضارع: يَدُو)	• مَنْ ذَا: این کیست؟
• مُؤَطَّف: کارمند (اسم مفعول)	• ذَات: دارای
• مَعَ الْأَسْف: متأسفانه	• ذُو: دارای
• تَعَارَف: آشنایی	• زَانَ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ)
• قَاعَةٌ: سالن	• شَرَزَةٌ: اخگر، پاره آتش
• مَطَار: فرودگاه	• عَيْم: ابر
• صَع: قرار بده، بگذار (امر)	• مُسْتَعِيرَةٌ: فروزان (اسم فاعل)
• فَرَاغ: جای خالی	• مُنْهَمِرَةٌ: ریزان (اسم فاعل)
• مُسْتَعِينًا: کمک گیرنده، یاری جوینده	• نَضْرَةٌ: تر و تازه
(اسم فاعل)	• نَمَتْ: رشد کرد (ماضی و مؤنث)

جمعهای مکسر

مفرد	معنی	جمع	مفرد	معنی	جمع
دُرّ	مرواریدها	دُرر	نَجْم	ستارگان	أَنْجُم
بَحْث	پژوهشها	أَبْحَاث	نِعْمَة	نعمتها	أَنْعَم

متضادها

يسار (چپ) ≠ يمين (راست)

بيع (فروش) ≠ شراء (خرید)

حزين (غمگين) ≠ مسرور (شاد)

بداية (آغاز) ≠ نهاية (پايان)

زرع (کاشت) ≠ حصد (درو کرد)

زخيسة (ارزان) ≠ غالية (گران)

قبيح (زشت) ≠ جميل (زيبا)

بعيد (دور) ≠ قريب (نزدیک)

راسب (مردود) ≠ ناجح (قبول)

ممنوع (ممنوع) ≠ مسموح (مجاز)

اراذل (فرومایگان) ≠ افاضل (شایستگان)

مترادفها

نور (نور) = ضياء (روشنایی)

جدوة (پاره آتش) = شرة (پاره آتش)

نجم (ستاره) = گوکب (ستاره)

صع (بگذار) = اجعل (قرار بده)

نصرة (تر و تازه) = طازج (تازه)

رقد (خوابید) = نام (خوابید)

مجتهد (تلاشگر) = مجتد (تلاشگر)

عثم (ابر) = سحاب (ابر)

ثمرة (میوه) = فاکهة (میوه)

بالغ (کامل) = کامل (کامل)

درس دوم

• غرس: کاشت (مضارع: یغرس)

• کلا: بخورید (امر)

• لا تفرقا: پراکنده نشوید (نهی)

• وزت: به ارث گذاشت (مضارع: یوزت)

• يتراحم الخلق: آفریدگان به هم مهربانی

می کنند (ماضی: تراحم)

• اجزی: جاری کرد (مضارع: یجری)

• اخلص: مخلص شد (مضارع: یخلص)

• امسك: به دست گرفت و نگه داشت

(مضارع: یمسك)

• علم: یاد داد (مضارع: یعلم)

• بتی: ساخت (مضارع: یبني)

قواعد

دهم

درس اول: مرور قواعد عربی هفتم تا نهم

انواع کلمه در زبان عربی

کلمه‌ها در زبان عربی اسم، فعل و حرف هستند.

دارای معنای مستقل و کامل	اسم
بیانگر انجام کار یا حالت + شخص (صیغه) و زمان (ماضی / مضارع ...)	فعل
بدون معنای مستقل	حرف

مثال هَلْ تُشَاهِدُ هَذِهِ الْأُسْرَةَ فِلْمًا رَائِعًا عَنِ الدَّلْفِينِ؟
 حرف فعل اسم اسم اسم اسم حرف اسم

آیا این خانواده، فیلم جالبی را دربارهٔ دلفین تماشا می‌کنند؟

اسم

توجه

- در عربی، صفت‌ها، مصدرها، اسم‌های اشاره، ضمیرها و قیده‌های زمان و مکان (غداً، أمس، حین، قبل، بعد و ...)، کلمه‌های پرسشی (غیر از «هل و أ») همگی اسم محسوب می‌شوند.
- مهم‌ترین نشانه‌های اسم عبارت‌اند از:

ال / تنوین (ـَ / ـِ / ـِة)

مثال التور، صالح، رحمة، شجرة

• **اسم از نظر جنس** • در عربی هر اسمی، یا مذکر محسوب می‌شود و یا مؤنث؛ البته دلیل مؤنث بودن در بعضی از اسم‌ها داشتن علامت مؤنث (ة - ة) است (مانند مکتبه) و در بعضی، داشتن معنای مخصوص مؤنث‌ها (مانند أم: به معنی مادر).

اسم از نظر جنس				
مؤنث		مذکر		
معنای مؤنث	داشتن نشانه مؤنث	معنای مذکر	نداشتن «ة - ة»	راه تشخیص
-	«ة - ة»	-	-	نشانه
أم (مادر)	شجرة	أب (پدر)	یوم	مثال
أخت (خواهر)	مدرسة	أخ (برادر)	کتاب	



وجود «ة - ة» فقط در اسم‌های مفرد، نشانه مؤنث بودن است نه در اسم‌های جمع. (زیرا در اسم‌های جمع، تشخیص مذکر و مؤنث فقط براساس مفرد آن‌ها می‌باشد).
بنابراین جمع‌های مکسری مانند إخوة (برادران)، قادة (رهبران) و ... مؤنث نیستند، زیرا مفردشان، مذکر است. (أخ، قائد و ...)



عَيْنُ ما لیس مؤنثاً:

١) الدَّوْلَةُ ٢) سَمَكَةٌ ٣) مَقْبَرَةٌ ٤) المَشَاةُ

ترجمه صورت سؤال: آن چه را که مؤنث نیست، مشخص کن.

• پاسخ: گزینه «٤» «المشاة»: پیاده‌ها» جمع مکسر است و مذکر است، زیرا مفردش «الماشي» مذکر است.
در سایر گزینه‌ها: سَمَكَةٌ (ماهی)، مَقْبَرَةٌ، الدَّوْلَةُ (دولت) همگی مفرد و مؤنث هستند.

امؤنث‌های استثنایی: اسم‌های موارد زیر، در عربی بدون دلیل، مؤنث محسوب می‌شوند، پس آن‌ها را باید حفظ کنیم.

۱ اکثر اعضای زوج بدن

مثال عَیْن (چشم)، یَد (دست)، رِجْل (پا) و ...

۲ اسامی شهرها و کشورها مانند: لندن، بغداد، ایران، ترکیا، باکستان و ...

۳ موارد سماعی و حفظ‌کردنی

مثال اَرْض، شَمْس، نَفْس، سَمَاء، دَار (خانه)، نَار (آتش)، حَرْب (جنگ)،

رِیْح (باد)، بَئْر (چاه) و ...

• **اسم از نظر عدد:** در عربی هر اسمی بیانگر تعداد خاصی است که عبارت‌انداز: مفرد، مثنی و جمع.

الف. مفرد: مفرد یعنی «یکی».

اکثر اسم‌ها در اصل، مفرد هستند؛ مفردبودن، نشانه خاصی ندارد.

مثال بَحْر، العبد، شاعر، شاعرة

ب. مثنی: مثنی یعنی «دوتا».

علامت مثنی (ان - ین): هم برای مذکر و هم برای مؤنث استفاده می‌شود.

البته علامت مؤنث (ة - ة) در مثنی تبدیل به «ت» می‌شود.

مثال معلّم ← معلّمان، معلّمین (دو معلم مرد)

معلّمة ← معلّماتان، معلّماتین (دو معلم زن)

تذکره: همیشه قبل از علامت «ین» در مثنی، فتحه (ت) می‌آید: «- + ین»

ج. جمع: جمع یعنی «بیش از دوتا».

در عربی دو نوع جمع داریم؛ جمع سالم (دارای علامت) و جمع مکسر (بدون علامت).

جمع سالم: جمعی است که برای ساختن آن، باید نشانه جمع (ون - ین - ات)

را به انتهای اسم مفرد، اضافه کنیم.

مثال شاعر ← شاعرون، شاعرین ← شاعرات ← شاعرة

جمع مکسر: جمعی است که روش و نشانه خاصی ندارد و فقط براساس شنیده‌ها یاد گرفته می‌شود و در آن، شکل و نظم ظاهری اسم مفرد دچار تغییر می‌شود.

مثال شاعر ← شعراء (شاعرها)

بحر ← بحار (دریاها)

- آیا همه اسم‌های مفرد حتماً دارای جمع مکسر هستند؟ خیر، بعضی از اسم‌ها جمع مکسر ندارند.

نکته

تفاوت جمع سالم و جمع مکسر:

در جمع سالم اگر علامت جمع (ون - ين - ات) حذف شود، اسم مفرد به دست می‌آید (ولی در جمع مکسر این‌طور نیست).

مثال (جمع سالم): مظلومون، مظلومین، مظلومات مظلوم و مظلومه

تذکره - همیشه با حذف کردن «ات» علامت «ة» را جایگزین کنید.

اخطار بعضی از جمع‌های مکسر، آخرشان دارای «ین، ون، ات، ان» است.

مراقب باشید که این اسم‌ها را با جمع سالم یا مثتی اشتباه نگیرید، زیرا با حذف کردن این حروف، مفردشان به دست نمی‌آید و حتی ممکن است کلمه مورد نظر، مفرد باشد.

مثال طَیران (پرواز)، عُدوان (دشمنی)، مَحزون، حَزین (غمگین) و ...

مثال موارد زیر همگی جمع مکسر هستند:

سلاطین، تمارین، بَطون (شکم‌ها: جمع بَطْن)، أصوات، أوقات، أموات، آیات، غِزلان (آهوها: جمع غِزال)، أركان، أَعْصان و ...

تست

(سراسری هنر)

عین ما فيه جمع سالم للمؤنث:

- ۱) أجمل الأصوات لصوت القرآن!
 - ۲) أوقات الدراسة تبدأ من الثامنة صباحاً!
 - ۳) هذه الأبيات تتعلق بشاعر كبير!
 - ۴) تبدأ الإدارات عملها من الثامنة صباحاً!
- ترجمه صورت سؤال: آن چه را که در آن جمع مؤنث سالم است، مشخص کن.
- پاسخ: گزینه «۴» «إدارات» جمع مؤنث سالم و مفردش «إدارة» (بعد از حذف «ات» حرف «ة» را جایگزین می‌کنیم) «أصوات، أوقات و أبيات» همگی جمع مکسر هستند و مفردشان «صوت، وقت و بیت» است.

اسم از نظر عدد

جمع		مثنی	مفرد	
مکسر	مؤنث سالم	مذکر سالم		
بدون نشانه	ات	ونَ - یَنَ	انِ - یَنِ	بدون نشانه
أطباء	-	طیبونَ -	طیبانِ -	طیب
	-	طیبینَ	طیبینِ	مثال
	طیبیات -	-	طیبیتانِ -	طیبیة
پزشکان	پزشکان	پزشکان	دو پزشک	پزشک
				معنی

نکته

هر اسم جمعی که در مورد انسان نباشد، «جمع غیرانسان» یا «جمع غیرعاقل» نامیده می‌شود.

مثال: کُتُب، آیام، مصابیح، أسماك و ...

برای «جمع غیرانسان»، قواعد را به صورت «مفرد مؤنث» به کار می‌بریم؛ مثلاً در کاربرد «صفت، اسم اشاره، ضمیر و ...».

مثال هَذِهِ الْكُتُبُ مَفِيدَةٌ، قَرَأْتُهَا فِي الْأَيَّامِ الْجَمِيلَةِ.
 مفرد مؤنث جمع غیر انسان مفرد مؤنث جمع غیر صفت مفرد
 انسان مؤنث

• **اسم‌های اشاره** • برای اشاره کردن به کار می‌روند و دارای دو نوع: نزدیک (القريب) و دور (البعيد) است.

جمع	مثنی	مفرد		
هؤُلَاءِ	هَٰذَانِ - هَٰذَيْنِ	هَٰذَا	مذکر	إشارة للقريب (اشاره به نزدیک)
هؤُلَاءِ	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ	هَٰذِهِ	مؤنث	
(این‌ها)	(این دو)	(این)	معنی	
أُولَٰئِكَ	-	ذَٰلِكَ	مذکر	إشارة للبعيد (اشاره به دور)
أُولَٰئِكَ	-	تَٰلِكَ	مؤنث	
(آن‌ها)	-	(آن)	معنی	

• **کلمات پرسشی** • کلمات پرسشی هم در عربی اسم محسوب می‌شوند. («هل و أ» حرف پرسشی هستند.)

کلمه پرسشی	أ	هَلْ	مَنْ	ما / ماذا	أَيْنَ
معنی	آیا	آیا	چه کسی / چه کسانی	چه چیزی / چه چیزهایی	کجا
کلمه پرسشی	مَتَى	كَيْفَ	كَمْ	لِمَ (لماذا)	أَيُّ
معنی	چه زمان	چگونه	چند، چه قدر	چرا	کدام

تست

«تستشیر الذّآب وما هو الأسرآب يُعرّف الحقیقةَ الیناعلی العکس!»: (سراسری انسانی)

۱) با دروغگو شور می کردم، اما او فقط یک سراب بیش نبود که حقایق را معکوس به من معرفی می کرد!

۲) آیا این دروغگویی که با او مشورت می کنی کسی جز سرابی است که حقایق را به ما وارونه می شناساند؟

۳) آیا با دروغگو مشورت می کنی، در حالی که او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می کند؟

۴) چگونه با دروغگو مشورت می کنی، حال آن که او چیزی جز سراب نیست که حقیقت را معکوس به ما می شناساند؟

• پاسخ: گزینۀ «۳» «أ» حرف پرسشی به معنای «آیا» در گزینۀ (۱) ترجمه نشده است و در گزینۀ (۴) نیز غلط (چگونه) ترجمه شده است ضمناً در گزینۀ (۲) «این» زائد است.

فعل و ریشه آن به سه حرف اصلی فعل‌ها «ریشه» گفته می شود.

مثال: تَشَاهِدُ (شهد)، تَرْكَبُونَ (ركب)، أَرْسَلْتُمْ (رسل)، تَسْتَخْدِمُ (خدم)

تاکید: در برخی از اسم‌ها نیز ریشه فعل وجود دارد.

مثال: المَشْهُود (شهد)، رَاكِبٌ (ركب)

نام‌گذاری حروف اصلی ریشه: حرف اول ریشه‌ها ◀ فاء الفعل

حرف دوم ریشه‌ها ◀ عين الفعل

حرف سوم ریشه‌ها ◀ لام الفعل

مانند: یکتبون ◀ از ریشه «کَتَبَ» / فاء الفعل: کَ / عين الفعل: تَ / لام الفعل: بَ

• صیغه در عربی • در عربی، فعل‌ها و ضمیرها در چهارده صیغه به کار می‌روند و به دو روش بیان می‌شوند.

ترتیب چهارده صیغه در روش اصلی عربی به صورت شش صیغه غایب (او - آن‌ها)

و شش صیغه مخاطب (تو - شما) و دو صیغه متکلم (من - ما) به کار می‌رود

ولی در کتاب درسی جدید عربی به ترتیب و شیوه هماهنگ با فارسی

(من، تو، او / ما، شما، آن‌ها) بیان شده است.

نام‌گذاری صیغه‌ها به عربی

جمع	مثنی	مفرد		
لِلْغَائِبِينَ (جمع مذکر غایب)	لِلْغَائِبَتَيْنِ (مثنای مذکر غایب)	لِلْغَائِبِ (مفرد مذکر غایب)	مذکر	غایب
لِلْغَائِبَاتِ (جمع مؤنث غایب)	لِلْغَائِبَتَيْنِ (مثنای مؤنث غایب)	لِلْغَائِبَةِ (مفرد مؤنث غایب)	مؤنث	
لِلْمَخَاطِبِينَ (جمع مذکر مخاطب)	لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ (مثنای مذکر مخاطب)	لِلْمَخَاطِبِ (مفرد مذکر مخاطب)	مذکر	مخاطب
لِلْمَخَاطِبَاتِ (جمع مؤنث مخاطب)	لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ (مثنای مؤنث مخاطب)	لِلْمَخَاطِبَةِ (مفرد مؤنث مخاطب)	مؤنث	
		لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	وحده	متکلم
		لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	مع‌الغیر	

• چهارده صیغه فعل ماضی (به شیوه اصلی) •

جمع	مثنی	مفرد		
فَعَلُوا رَجَعُوا: بازگشتند	فَعَلَا رَجَعَا: بازگشتند	فَعَلَ رَجَعَ: بازگشت	مذکر	غایب
فَعَلْنَ رَجَعْنَ: بازگشتند	فَعَلْتَا رَجَعْتَا: بازگشتند	فَعَلَتْ رَجَعَتْ: بازگشت	مؤنث	
فَعَلْتُمْ رَجَعْتُمْ: بازگشتید	فَعَلْتُمَا رَجَعْتُمَا: بازگشتید	فَعَلْتَ رَجَعْتَ: بازگشتی	مذکر	مخاطب
فَعَلْتُنَّ رَجَعْتُنَّ: بازگشتید	فَعَلْتُمَا رَجَعْتُمَا: بازگشتید	فَعَلْتِ رَجَعْتِ: بازگشتی	مؤنث	
		فَعَلْتُ رَجَعْتُ: بازگشتم	وحده	متکلم
		فَعَلْنَا رَجَعْنَا: بازگشتیم	مع‌الغیر	

جمع‌بندی نکات ترجمه فعل

انواع ماضی

ترجمه	مثال	ساختار	نوع
خارج شد	خَرَجَ	-	ماضی ساده (مثبت)
خارج نشد	ما خَرَجَ	ما + ماضی	ماضی ساده (منفی)
خارج می‌شد	كَانَ يَخْرُجُ	كَانَ + ... مضارع	ماضی استمراری ^۱
خارج شده بود	كَانَ قَدْ خَرَجَ	كَانَ + ... (قد) ماضی	ماضی بعید ^۲
خارج شده است	قَدْ خَرَجَ	قد + ماضی	ماضی نقلی

انواع مضارع

ترجمه	مثال	ساختار	نوع
خارج می‌شود	يَخْرُجُ	-	مضارع ساده (مثبت)
خارج نمی‌شود	لا يَخْرُجُ	لا + مضارع	مضارع ساده (منفی)
(که) خارج شود	أَنْ يَخْرُجَ	أَنْ - كَيْ - لَكِي - حَتَّى - لِـ (حروف ناصبه ربطی) + مضارع	مضارع التزامی
هر کس خارج شود ...	مَنْ يَخْرُجُ ...	إِنْ - مَنْ - مَا - إِذَا (ادات شرط) + فعل (فعل شرط)	
باید خارج شود	لِيَخْرُجَ	لِـ امر + مضارع (غایب / متکلم)	باید + مضارع التزامی
تو باید خارج شوی	عَلَيْكَ أَنْ تَخْرُجَ	عَلَى + ضمیر یا اسم + أَنْ + مضارع	
نباید خارج شود	لا يَخْرُجُ	لا + مضارع مجزوم	نهی
خارج نشو	لا تَخْرُجَ		

۱ و ۲- در این ساختارها ممکن است فعل «كَانَ» در صیغه‌های مختلف به کار برود: كَانٌ - كَانَا - كَانْتُمْ - كَانْتُمْ / كُنْتُمْ - كُنْتُمْ / كُنْتُمْ / كُنْتُمْ / كُنْتُمْ - كُنْتُمْ / كُنْتُمْ - كُنْتُمْ / كُنْتُمْ - كُنْتُمْ / كُنْتُمْ

انواع مستقبل (آینده)

ترجمه	مثال	ساختار	نوع
خارج خواهد شد	سَيَخْرُجُ	سـ / سوف +	مستقبل (مثبت)
خارج خواهد شد	سَوْفَ يَخْرُجُ	مضارع	
خارج نخواهد شد	لَنْ يَخْرُجَ	لَنْ + مضارع	مستقبل (منفی)

انواع امر

ترجمه	مثال	ساختار	نوع
خارج شو	(تَخْرُجْ) أَخْرُجْ	اجرای سه مرحله در مضارع مخاطب: ۱- حذف ت - ۲- گاهی افزودن «ا» ۳- مجزوم کردن	امر مخاطب
باید خارج شود	(يَخْرُجْ) لِيَخْرُجْ	لِ + مضارع مجزوم (غایب یا متکلم)	امر غایب

تغییر زمان فعل در ترجمه

ماضی ← ترجمه مضارع در جمله شرطی

مثال مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ:

ماضی ماضی

هر کس دشمنی بکارد زیان درو می کند.

مضارع مضارع

مضارع ← ترجمه ماضی ساده یا نقلی (منفی) لَمْ + مضارع

مثال لَمْ يَخْرُجْ ← لَمْ يَخْرُجْ: خارج نشد

ماضی منفی مضارع

مضارع ← ترجمه ماضی استمراری جمله وصفیه (مضارع)

مثال رَأَيْتُ طِفْلاً يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ: کودکی را دیدم که از خانه خارج می شد.

ماضی استمراری

ماضی مضارع (جمله وصفیه)

آزمون سراسری تجربی

•• **إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١ تا ٧) بما يُنَاسِبُ النَّصَّ:**

في مخلوقات ربِّنا الرِّحْمَنِ مظاهر من الجمال و المنفعة و الحكمة، تُشَاهَدُ أحياناً في وسط الصَّحراءِ مناطقٌ فيها نباتات و أشجار، تُغْذِيهَا بمياه العيون المتعدِّدة و الآبار (جمع بئر)، منها أشجار مُثْمِرَةٌ كالنَّخْلِ.

و تُظْهِرُ أنواع كثيرة من الأزهار الجميلة في بعض المناطق الصَّحراوِيَّة بعد الأمطار الشَّدِيدَةِ، إلاَّ أَنَّهَا لا تدوم حياثها إلاَّ ٦ أو ٨ أسابيع، و توجد أيضاً بعض النباتات ذات الأوراق القليلة لكي لا تفقد من الماء بالتبخُّر إلاَّ القليل منه!

و بعض النباتات الصَّحراوِيَّة أصلها في باطن الأرض، في عمق أكثر من ٥٠ متراً، و بذلك تستطيع كُلُّهَا العيشَ مدَّةً طويلة من الزمن! و يُمكن زراعة المحصولات الزَّرَاعِيَّة في قسم من الصَّحراءِ خصوصاً أطرافها، بواسطة القنوات أو الأنابيب (لولها).

ترجمة صورت سؤال: متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات (١ تا ٧) با آن چه که برای متن، مناسب است پاسخ بده.

ترجمة متن: در آفریده‌های پروردگار مهربان ما، جلوه‌هایی از زیبایی و منفعت و دانش وجود دارد. گاهی در وسط بیابان مناطقی دیده می‌شود که در آن‌ها گیاهان و درختانی وجود دارند که تغذیه آن‌ها با آب‌های چشمه‌های متعدد و چاه‌ها می‌باشد. از میان آن‌ها درختان میوه‌داری مانند نخل (درخت خرما) است.

در برخی از مناطق بیابانی پس از باران‌های شدید، انواع بسیاری از گل‌های زیبا آشکار می‌شوند. با این وجود، عمر آن‌ها جز ٦ یا ٨ هفته طول نمی‌کشد و هم‌چنین برخی گیاهان کم‌برگ وجود دارند تا با تبخیر، آب از دست ندهند مگر مقدار کمی از آن.

ریشه برخی از گیاهان بیابانی در درون زمین است در عمقی بیش از ٥٠ متر، و همه آن‌ها به وسیله آن (ریشه) می‌توانند مدتی طولانی زندگی کنند

و کاشت محصولات کشاورزی در بخشی از بیابان به ویژه در اطراف و گوشه‌های آن به کمک قنات‌ها و لوله‌ها امکان‌پذیر است.

۱- عَيْنِ الْخَطَأِ:

(۱) إِنَّ الصَّحْرَاءَ جَائِقَةٌ وَ لَا عَيْنَ فِيهَا!

(۲) كُلَّ الْأَشْجَارِ تَعِيشُ وَ إِن يَكُنْ لَهَا أَوْرَاقٌ قَلِيلَةٌ!

(۳) الْأَشْجَارُ الَّتِي لَهَا أَوْرَاقٌ كَثِيرَةٌ تَحْتَاجُ إِلَى مَاءٍ أَكْثَرَ!

(۴) هُنَاكَ بَعْضُ الْأَشْجَارِ فِي الصَّحْرَاءِ أَصْلُهَا فِي عَمَقِ الْأَرْضِ!

گزینه ۱: ترجمه صورت سؤال: غلط را مشخص کن.

گزینه (۱): غلط است، زیرا گفته است: «بیابان خشک است و هیچ چشمه‌ای در آن نیست». در متن آمده است که چشمه‌های متعددی در بیابان برای آبیاری استفاده می‌شود.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): همه درختان زندگی می‌کنند، اگرچه برگ‌های کمی داشته باشند.
گزینه (۳): درختانی که برگ‌های بسیاری دارند به آب بیشتری نیاز دارند. ◀ این عبارت به صورت غیرمستقیم از متن فهمیده می‌شود. **گزینه (۴):** برخی از درختان در بیابان وجود دارند که ریشه‌شان در عمق زمین است.

۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

(۱) لَا فَائِدَةَ لِبَعْضِ الْأَشْجَارِ الصَّحْرَاوِيَّةِ!

(۲) لَا تَوْجِدُ فِي الصَّحْرَاءِ أَشْجَارَ لَهَا أَوْرَاقٌ كَثِيرَةٌ!

(۳) حَيَاةُ الْأَشْجَارِ الصَّحْرَاوِيَّةِ كُلُّهَا خَارِجَةٌ عَنِ إِرَادَةِ الْإِنْسَانِ!

(۴) لَا يَدُّ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ لِحَيَاةِ الْأَشْجَارِ الصَّحْرَاوِيَّةِ!

گزینه ۲: ترجمه صورت سؤال: صحیح را مشخص کن.

ترجمه گزینه (۴): «برای زندگی درختان بیابانی هیچ گریز و چاره‌ای نیست جز آبی که در درون زمین وجود دارد». در متن عیناً آمده است که: گیاهان و درختان در بیابان به وسیله چشمه‌ها و چاه‌ها آبیاری و تغذیه می‌شوند.